

درس دوم: وضعیت سیاسی - اجتماعی ایران در زمان تولد امام خمینی

هدف‌های آموزشی

- ۱- آشنایی با وضعیت سیاسی - اجتماعی ایران در زمان تولد امام خمینی
- ۲- آشنایی با وضعیت خمین در زمان تولد امام خمینی

الف) وضعیت سیاسی - اجتماعی ایران

کشور پرآوازه ایران که هزاره‌ها و سده‌های تلخ و شیرین، با فراز و فرودهای گوناگون را در تاریخ خود دارد، به دست قزلباش‌های صفویه به عنوان کشوری مستقل در کنار دیگر کشورها و به‌ویژه در برابر امپراطوری گسترده عثمانی - اسلامی درآمد و در بیش از دو قرن حکومت صفویه (حدوداً ۲۲۱ سال؛ ۸۸۰ تا ۱۱۰۱ شمسی، ۱۵۰۱ تا ۱۷۲۲م) و نیز سلسله‌های فرمانروایی پساصفویه، فراز و فرودهای فراوانی داشت، اما در دوره شاهان قاجار و به‌ویژه در سلطنت دومین شاه از این سلسله یعنی فتحعلی شاه قاجار که سی و هفت سال سلطنت کرد، در جریان جنگ اول و دوم ایران و روسیه، عیار جامعه ایرانی و وضعیت عمومی کشور و ملت ایران در مقایسه با جوامع آن روز جهان خود را نشان داد. یعنی کشور و ملتی ضعیف و ناتوان که نه توان هم‌آورد در میدان‌های نظامی را با دیگر کشورهای مطرح آن عصر داشته و نه دانش و تجربه لازم برای تعامل با دیگر ملل و ممالک، تا در پرتو آن منافع و عزت و استقلال ایران و ایرانی را حفظ کند.

شاهان قاجار و مجموعه گسترده زنجیره حکام و زمامداران محلی نه به فکر

اصلاح و آبادانی وضعیت ایران بودند و نه وضعیت اسفبار و آشفته ملت آنها را و ادار به عدالت در میان رعیت و آبادانی کشور می‌کرد. حکومت قاجار علاوه بر استوارسازی حکومت استبدادی و خودکامه در داخل، در مقابل طوفان‌های سهمگین تجاوزات و دولت روسیه تزاری و نیز طمع قدرت‌های استعماری انگلیس و فرانسه، توان رویارویی مقتدرانه را نداشت و قادر بر حفظ منافع کشور و ملت نبود. یعنی ایران و ایرانی در آن سالیان گرفتار «استبداد» شاهان قاجار و گماشتگان آنها در سراسر کشور و نیز مقهور و مغلوب قدرت‌های سلطه‌گر استعمار خارجی و دول اروپایی بودند.

عقب‌ماندگی از قافله پیشرفت و رهاوردهای تمدن صنعتی مغرب زمین، ناامنی اجتماعی، فقر و فلاکت ملت و شیوع انواع بیماری‌های مسری و تلفات وسیع انسانی در کنار تن دادن به انواع قراردادهای^۱ و روابط سلطه‌جویانه قدرت‌های مسلط استعماری، محصول مشترک دوگانه استبداد داخلی و استعمار خارجی برای ایران و ایرانی بوده است.

این دو بلای اجتماعی و سیاسی هم عزت ملت ایران را از بین برد و این کشور و ملت در دو جنگ پیاپی از همسایه شمالی خود شکست خورد و به ذلت‌بارترین تفاهم‌نامه‌ها و عهدنامه‌ها تن داد،^۲ و هم در حالی که دیگر کشورها و ممالک به سرعت در حال پیشرفت و بهره‌مندی هرچه بیشتر و روزافزون از رفاه بودند؛ ملت ایران درگیر انواع مشکلات بهداشتی - درمانی و ناامنی‌های اجتماعی و نیز ظلم و سرکوب حکام ستم‌پیشه بود.

۱. به عنوان نمونه اعطای امتیاز تنباکو به شرکت انگلیسی رژی در سلطنت ناصرالدین شاه قاجار که با اعتراض وسیع مردمی و به حکم شرعی مرجع بزرگ عصر - میرزای شیرازی (قدس سره) - لغو گردید.

مراجعه شود به تاریخ سیاسی معاصر ایران، دکتر سید جلال‌الدین مدنی، ج ۱، ص ۶۴ - ۷۶.

۲. ر.ک به تاریخ سیاسی معاصر ایران، سیدجلال‌الدین مدنی، ج ۱، ص ۳۲ - ۴۲.

ب) وضعیت عمومی خمین

شهر خمین که امروزه به عنوان یکی از شهرستان‌های استان مرکزی محسوب می‌شود، در دوره صفویه عنوان «ولایت مستقل» را به دست آورد، به گونه‌ای که حاکمی خاص داشت، اما پس از دوره‌ای کوتاه از رونق، با سقوط حکومت صفویه، به مانند دیگر شهرهای شرق و مرکزی ایران در سال ۱۱۴۰ هـ. ق گرفتار غارت و قتل عام افغانه مهاجم شد. این ویرانی و نابسامانی در دوره افشاریه و زندیه ادامه یافت و حتی در دوره قاجار نیز تفاوت زیادی با اوضاع نابسامان پیشین پیدا نکرد.^۱

امام خمینی که دوران خردسالی تا جوانی را در خمین زندگی کرد، آن دوران و وضعیت سیاسی - اجتماعی حاکم بر زندگی مردم را چنین توصیف می‌کند:

«بنده در جوانی، خوب، آن حکومت‌های زمان قاجار را دیدم، بعد هم حکومت‌های زمان اینها [پهلوی] را یک حکومت در یک بلدی که می‌آمد، مالک جان و مال مردم کانه بود و مردم در مقابل او باید هیچ حرف نزنند. من خودم مشاهده کردم که حکومتی که در، مال ولایت ثلاث‌ها بود، در مرکزش گلپایگان بود و آمده بود خمین، من بچه بودم، یکی از تجار درجه یک خمین را که یک آدم بسیار متدین بود، بسیار آدم خوبی بود، حالا چه بهانه‌ای این مرد خبیث پیدا کرد، [نمی‌دانم] توی اتاقش رفته بودند نشسته بودند، کشیدنش آوردنش توی حیاط، بستندش به چوب و به کف پایش چوب زدند... حالا چی از او گرفتند آن را دیگر من نمی‌دانم؛ وضع حکومت‌ها این طور بود».^۲

۱. ر.ک: «زمانه و زندگی امام خمینی» نوشته: دکتر محسن بهشتی سرشت، ص ۲۴ - ۲۵.

۲. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۸۵.

مردم در آن دوران تنها گرفتار قدرت‌های سلطه‌گر و استعماری نبودند که ثروت و عزت کشور و ملت ایران را چپاول می‌کردند، بلکه گرفتار حکومت‌ها و حاکمان ستم‌پیشه و ظالمی بودند که بر جان و مال و عرض و آبروی ملت مسلط بودند و طبق هوا و هوس خود، هرچه می‌خواستند انجام می‌دادند. در چنین شرایط آشفته‌ای، شرارت اشرار و یاغی‌گری یاغیان نیز بلای جان ملت ایران در جای جای این کشور، از جمله منطقه خمین شده بود. در منطقه خمین، علاوه بر اشرار خرده پا، یاغیان قدرتمند و سرشناسی مانند رجبعلی، نایب حسین کاشی، علی‌قلی زلّقی با داشتن سواران اجیر، ولایت کمره و خمین را عرصه تاخت و تاز خویش قرار داده بودند.^۱

البته در این وضعیت آشفته و ناامنی گسترده، خانه علمای نافذالکلمه پناهگاه مردم تحت ستم بوده و به همین خاطر خانه اجدادی امام خمینی در خمین یکی از این پناهگاه‌های مستحکم و استوار در مقابل اشرار و یاغیان بوده است.^۲

امام خمینی در توصیف آن وضعیت می‌گوید:

«از زمان احمد شاه یادم هست که ما مبتلا بودیم به دزدی‌ها، مبتلا بودیم به این اشخاصی که می‌آمدند، مثل رجبعلی و مثل نایب حسین کاشی و مثل آن میرزا... که شما حالا اسم‌هایشان را هم نشنیدید، می‌آمدند غارت می‌کردند. دهاتی که ما در آن بودیم غارت می‌کردند. اصل حکومت در کاشان نمی‌توانست کاری بکند، همه‌اش این غارتگرها بودند. غارتگرها آنجا غارت می‌کردند، همه کارها را انجام می‌دادند.»^۳

۱. ر.ک: زمانه و زندگی امام خمینی، ص ۳۰ - ۳۱.

۲. همان، ص ۳۱.

۳. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۳۰.

ایشان در گزارشی دیگر از نقش خود در آن اوضاع نابسامان هم سخن گفته است:

«من از بچگی در جنگ بودم، تا حالا نگفتم، ما مورد هجوم زلّی‌ها بودیم. مورد هجوم رجبعلی‌ها بودیم و خودمان تفنگ داشتیم و من در عین حالی که تقریباً اوایل شاید بلوغم بود، بچه بودم، دور این سنگرهایی که بسته بودند در محل ما، و اینها می‌خواستند هجوم کنند و غارت کنند، آنجا می‌رفتیم سنگرها را سرکشی می‌کردیم.»^۱

خلاصه درس دوم:

کشور ایران در زمان تولد و خردسالی امام خمینی گرفتار آشفتگی و عقب-ماندگی و نیز حکومت استبدادی و ظالم بوده است. شهر خمین و اطراف آن در زمان تولد و خردسالی امام خمینی گرفتار هرج و مرج و ظلم و ستم خوانین و آشوب و غارت مهاجمان بوده است.